

شبکه من و تو

شبکه من و تو

حجامت اجتنابنا پذیر خون ملت ایران!

تلویزیون ماهواره‌ای «من و تو» تجربه منحصر‌بفردی از توفیق مشتی لوزر فارسی زبان است که بنمایندگی و سخنگوئی از جانب سلطنت‌طلبان یا همان «اسپرم‌سالاران» توانسته بمنظور اثبات شانیت و وجاهت اسپرم‌سالاری و خرید آبرو برای سلطنت طلبی، دست به جعل تاریخ بزند و قهرمان پلاستیکی بسازد.

کل بصاعع این ممارست خلاصه شده در یا بش و چینش و آمايش و پردازش نیم دوجین رقص و مُطرب و مزقونچی تاکسیدرمی شده و بجا مانده از سلسله منقرضه پهلوی است تا در این شبکه برای نوستالوژی هایشان در کوچینی و باکارا و میامی و شکوفه نو، سوتهدلی و مرثیه‌خوانی و بوتیماری کنند!

تاریخ را حسرت به دل گذاشته‌اند تا در اثبات وجاهت مفروض انگاشته‌شان از سلسله منقرضه پهلوی لااقل چهار تا دانشمند فرزانه یا دستآوردهای فن‌آورانه را سوندآلوژی کنند!

همه سرمایه اجتماعی‌شان شده گوگوش و شماعی زاده و «مهوش پریوش چه بد کرد غلط کرد شوهر کرد همه را دربدر کرد»! و بشکن و بالا بنداز! این شبکه به هیچ دردی نخورد لااقل سندی است مُبرهن از حجامت خون ملت ایران که در بهمن ۷۰ برونو ریخت شد!

#داریوش_سجادی

فائزه لوزی!

فائزه لوزی!

سخن خانم فائزه هاشمی مبنی بر مجوز چند همسری زنان که واکنش ایشان به بحث چند همسری مردان بود و نقد توام با هزل اینجانب مبنی بر پیشقدم شدن ایشان در تعدد همسر، برخوردار از تحشیه‌های فراوانی شد که تکمله‌ای را بر عهده اینجانب قرار می‌دهد.

طبعی‌تا این امر پنهانی نیست که نیت سرکار خانم هاشمی در بیان آن نظر شاذ صرفا یک طعنه بود تا بدانوسیله و به زعم خود ناجستگی

مفووضان از تعدد همسر توسط مردان را از طریق ترفند برسمیت شناختن متقابل حق تعدد همسر توسط زنان، معادل‌سازی کند! هم چنانکه واکنش اینجانب نیز ترفندی بود تا ناروائی احتجاج ایشان را به مشارالیه عربیان‌نمایی کنم!

ناروائی احتجاج خانم هاشمی از آن جهت حائز شمات است که نامبرده بنا بر شخصیت پرخاشگر و واکنش‌های هیستریک و شناخته شده‌اش، بعضاً مرتکب شاذیاتی می‌شوند که قبل از مستدل بودن دهان کجی به عرف جامعه را می‌ماند.

در بحث تعدد زوجات نیز گفتار هیستریک و شخصیت دماگوژیک ایشان مانع از آن شد تا حقوق همجنسان خود را با معرفتی ملین و متین و وزین سنگربانی کند.

بزرگترین خبط ایشان آنست که بدون عمق اندیشگی، برابری «زن و مرد» را بدون تفاوت «زن و مرد» وجودان می‌کنند!

تفاوت این دو آنجاست که مردان به صفت ذاتی «تمامیت طلبند» هم چنانکه زنان به صفت ذاتی «انحصار طلبند» و بر همین مبنای اگر تمام زنان دنیا را نصیب مردی کنند باز هم طلب می‌کند! این در حالی است که زن یگانه مرداش را منحصراً برای خود و تنها برای خود می‌خواهد.

همین ریحانگی بانوان است که در شخصیت زمخت فائزه آنقدر رقیق شده که نمی‌تواند متوجه شود تعدد همسر در ذات زن نامقبل است.

زن خود را موهبتی می‌انگارد که مشتاق است این موهبت را به ثمن بخس پیشکش همسرش کند مشروط بر آنکه مرداش و همه وفاداری مرداش نیز منحصراً به خودش و تنها خودش متعلق باشد.

فهمی روان از لطفتی عیان که شوربختانه هامش و خامه‌اش و خوانش و پردازش فائزه از آن بی‌بهره مانده!

#داریوش_سجادی

#فائزه_هاشمی

آقای سیندرلا!

آقای سیندرلا!

ثبت اسامی فائقه آتشین (گوگوش) و بهروز وثوقی در پایگاه تاریخ نگاری سازمان سینما یعنی کشور بشکلی قابل انتظار در فضای رسانه‌ای ایران مناقشه‌آمیز شد. هر چند مناقشات مزبور بر سر چرائی ثبت نام

گوگوش و بهروز وثوقی در سامانه وزارت ارشاد غالبا ناظر بر مسائل شخصی و اخلاقی این دو بازیگر رژیم پهلوی است اما از منظری آسیب‌شناسانه اصرار وزارت ارشاد بر رکورد کردن این دو بازیگر در تاریخ سینمای کشور موید یک ناکامی اجتماعی در حافظه تاریخی کثیری از ایرانیان است.

صرف نظر از حواشی اخلاقی و فارغ از کالبدشکافی شخصیتی این دو بازیگر نکته حائز اهمیت آنست که این زوج هنری با فیلم «همسفر» اثر «مسعود اسداللهی» در حافظه تاریخی ایرانیان بولد شده‌اند.

همسفر سوای جاذبه‌های تصویری در تحلیل نهائی ژانری از سیندرلای دیزنی را به تصویر می‌کشد که برخلاف تصور این بار سیندرلا دخترکی اسیر ظلم آناستازیا نبود و مردی را می‌مانست که در فقر اجتماعی و مناسبات طالمانه شهروندی مستاصل مانده است.

مردی بزن بهادر و چالک و خوش سیما و با خاستگاهی فقیرانه که بمنظور فائق آمدن بر تنگدستی خود طی حوادثی منجی دختری نازپروده از خانواده‌ای متمول و اعیان‌نشین می‌شود که در مسیر نجات دخترک، هر دو دلباخته یکدیگر شده و در انتها جوان به مراد دل خود میرسد! مانائی «همسفر» در حافظه تاریخی ایرانیان موید مانائی رویا‌اندیشی و میل به رستگاری دنیوی از مسیرهای میانبر و تخیلی است.

اقبال به بهروز وثوقی و گوگوش در همسفر قبل از آنکه اقبال به این دو بازیگر باشد ادبار جماعتی است از جایگاه ناخوشایند اقتصادی و اجتماعی مبتلا به‌شان و اشتیاق رویا‌اندیشا نهشان به یا بش کفش بلورینی است تا ناتوانی‌ها و مسئولیت‌گریزی‌های ایشان را یک شبه ما به ازا کند.

توهمی که با گذشت بالغ بر ۴۴ سال کماکان در ایران و نزد مبتلایان سخت جانی کرده و «همسفر» ولو ساعاتی کوتاه ایشان را «خلسه درمانی» می‌کند!

#داریوش_سجادی

آشوب در عراق

آشوب در عراق

درخواست چندی پیش آیت‌الله سیستانی از معترضین در عراق مبنی بر «احتراز از خشونت» هر چند با بیوقوعی شهرآشوبان مواجه شد اما همین

بیوکی بنبوبه خود یک فکت ریختشناسانه از ماهیت آشوب در عراق را شناسه کرد.

جنس ماجرا قرینه فتوائی است که آیت الله منتظری در تابستان ۸۸ و در اوج شهرآشوبی‌های تهران صادر کرد و طی آن «آیت الله» جائزیت نظام جمهوری اسلامی را مُسَجَّل اعلام کردند!

در همان تاریخ خطاب به آیت الله منتظری نوشتم:

چه سری است که زمانی میرزای شیرازی با نیم خط فتوای «حرمت تدخین» می‌توانست ارکان حکومت ناصرالدین شاه را آنچنان متزلزل کند تا قبله عالم لاجرم قرارداد رژی را فسخ نماید اما اکنون آیت الله منتظری تفصیلاً بر جائزیت نظام افتاء می‌کند اما اتفاق خاصی نمی‌افتد؟ پاسخ روشن است. غالب آنانکه در ۸۸ کف خیابان تمامیت و موجودیت نظام را به چالش کشیده بودند اساساً اهل فتوا نبودند تا بخواهند معطل فتوای آیت الله منتظری باشند و ایشان از ابتدا ادب از خود از دین و زیست مومنانه و حاکمیت دینانه را بصراحة علمداری و عهده‌داری کرده و اساساً جنبشان ماهیتا رُمبشی علیه «دین - زیستی» بود!

اکنون نیز هر چند بذرافشانی و بهره‌برداری و نفتافشانی ثلثی «ریاض - تلآویو - واشنگتن» بر آتش آشوب در عراق را نمی‌باشد نادیده انگاشت. اما واقعیت آنست که گدازه فتنه نمی‌تواند در خلاء بجوشد و چنان جوششی محصول همیابی و همافرزائی اذناب فتنه با اصحاب فتنه است.

واقعیت غیر قابل کتمان آنست که عراق نیز از حیث ساختار طبقاتی برخوردار از تقارن و تشابه با ایران است و بر همین روال هر چند عراق مانند ایران کشوری شیعی و مذهبی است اما همچنان و همگنان با ایران از طبقات دین‌ستیز و دین‌گریز معتنابهی نیز میزبانی و برخورداری می‌کند که اکنون همین طبقات با دغدغه «معیشت» طلايه‌دار آشوبیان در عراق شده‌اند.

علی‌ایحال این که ماهیت طبقاتی آشوبیان چیست یک بحث است اما از آن مهم‌تر چگالی بحران و چیستی بحران و چگونگی مدیریت بحران در عراق است که دلالت بر شرارتی متضایف بین اصحاب فتنه دارد.

شواهد موید آنست که در ثلثی صحابی فتنه این واشنگتن است که ابتکار عمل و مدیریت بحران را با رویکرد آمریکائی در دست گرفته. بر اساس مدل مدیریت بحران با شگرد آمریکائی:

وقتی دو نفر در جنگل در معرض تهاجم شیر قرار گرفتند یکی از آن دو بسرعت کفش ورزشی خود را به پا کرد و آماده دویدن و گریختن از مهلکه شد و آنگاه که دوستش به طعنه گفت: اما هیچ انسانی نمی‌تواند از شیر سریع‌تر بود! پاسخ شنید: مهم نیست نتوانم از شیر

سریع‌تر بدم. فقط باید بکوشم از تو سریع‌تر بدم!
این دقیقا همان اقدام بی‌اخلاقانه‌ای بود که پیشتر ترامپ در بحران سوریه با اکراد کرد و با خروج شتابزده و ناغافلش از منطقه، کردها را در مقابل ماشین جنگی و آماده کشتار ترکیه تنها گذاشت!

اکنون و در آشوب عراق نیز واشنگتن می‌کوشد از طریق دامن زدن به شیرانگاشتی ایران در خرد جمعی آشوبیان، نا محسوس ایشان را مدیریت کند تا در پیروای دریده شدن زیر چنگال آن دشمن فرضی، آشوبیان را آسیمهسر به اردوان خود دلالت و هدایت کند!

#داریوش_سجادی

مطهری بدون طهارت!

مطهری بدون طهارت!

اسائه ادب و متلك جنسیتی علی مطهری به یک دانشجو بار دیگر موید این واقعیت شد که آقازادگی لزوما افاده معنای هم‌ترازی و سرونازی با فضیلت‌های پدر را ندارد.

علی مطهری موجودیتی نامتقارن است که نه عمق اندیشه‌گی پدر را کسب کرده و نه علیرغم اشتیاقش به شیرین‌زبانی و بذله‌گوئی بداهه اما در عمل از این استعداد نیز محروم است و بداهه‌های مرتكبه‌اش مهوع می‌ماند پیش از آنکه تملیح را متبار را به ذهن کند!

جناب مطهری

عنایت داشته باشید اگر شوق نشستن در نشست‌های دانشجوئی را دارید چنان شوقی الزامات خود را می‌طلبد. دانشجویان اقشار شوریده و آرمانخواهی‌اند که به اقتضا جوانسرا بعضًا در نشست‌های دانشگاهی «تندی و تیزی» نیز می‌کنند.

جناب مطهری بنده و شما نسبتمان با این جوانان نسبت پدری است و اینجا نب نیز به کرات در سخنرانی‌های دانشگاهی‌ام مانند شما با هیجان‌زدگی جوانان مواجه شده‌ام.

جناب مطهری شایسته است در مقابله با چنان تندهای خویشتن‌داری کرده و پدرانه با این جوانان کلامت کنید در غیر این صورت چه اصراری بر نشستن میان جوانانی را دارید که نه الفای کلامتشان را می‌دانید و نه از تبحیری در شیرین‌زبانی مناسب با چنین نشست‌هایی بخوردارید؟

صندلی بطالت!

صندلی بطالت!

علی لاریجانی با معوجات سیاسی اش نایاب مردی است که ظفر مندانه و یک تنہ توانائی آن را پیدا کرده تا کرسی ریاست پارلمان ایران را مخت نماید بشکلی که طی ۴ سال گذشته «بود و نبود» ریاست پارلمان در ایران علی‌السویه شده و یکی از اضلاع قوای سه‌گانه کشور عمل و مدت‌ها است بی‌فروغ شده و به تعطیلات رفته!

این در حالی است که تا پیش از این و صرف نظر از مواضع و جهتگیری قابل مناقشه سخنگویان قبلی قوه مقننه در مجموع پارلمان ایران بنام افرادی نظیر هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و مهدی کروبی برنده شده بود.

على‌رغم این اکنون علی لاریجانی سال‌ها است که ریاست قوه مقننه را مخت کرده بشکلی که دیگر کرسی ریاست پارلمان حتی جنبه نمادین نیز نداشته و به زائدۀ ای حشو در ساختار قدرت ایران مُبدل شده! خسته نباشد جناب لاریجانی! میان این همه چیزها، کاش لا اقل یه چیزی بودید!

مهم نبود چپ بودید یا راست . اصلاح طلب یا اصولگرا . فقط یه چیزی باشد!

بقول بیدل دهنوی:

ز بس جوش مخت میزند این عرصه^۱ عبرت

زنان ریشی برون آرند تا پیدا شود مردی

#داریوش_سجادی

اشغال دخمه شیطان

خمینی «برند» انقلاب اسلامی است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای «این انقلاب بی نام خمینی در هیچ کجای جهان شناخته شده نیست». در سال‌گرد ۱۳ آبان و در پاسخ به دواعی آنانکه آمریکاستیزی را زائد واردۀ بر انقلاب اسلامی توصیف می‌کنند باشد گوشزد کرد: پدیده‌های سیاسی برخوردار از چگالی و توالی‌اند. نمی‌توان پدیده سیاسی را در سلول زمان حبس کرد. سیاست انباشت توالی رویدادهای تاریخی است.

انقلاب اسلامی را نبایست با سلائق و علائق و خوش‌آیند و ناخوش‌آیندهای شخصی مصادره بمطلوب کرد. انقلاب اسلامی انقلاب «خمینی» بود. خمینی، انقلاب اسلامی بود و انقلاب اسلامی، خمینی بود. کمال دغل‌بازی است منویات خود را بنام انقلاب اسلامی جعل کرده و نارفیقانه خاکستر بر چشم واقعیت پاشید.

آمریکاستیزی برند «انقلاب خمینی» است. این برند در ۱۳ آبان ۵۸ مُتعین نشد و تسخیر سفارت آمریکا تنها این برند را متبلور کرد. ریشه آمریکاستیزی را در آبان ۴۳ و تصویب لایحه کاپیتولاسیون بکاوید که منجر به نهیب امام شد که بعض فروخته ایرانیان از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۳۲ را ۱۱ سال بعد بدآن گونه برونریخت کرد: ای سران اسلام، به داد اسلام برسید ... ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه آمریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! ... امروز سر و کار ما با این خبیث‌هاست! با امریکاست. رئیس جمهور آمریکا بداند این معنا را که امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. امروز قرآن با او خصم است؛ ملت ایران با او خصم است ... تمام گرفتاری ما از این امریکاست! اطلاق انقلاب دوم به اشغال سفارت بدلیل جسارت چند جوان دانشجو در تسخیر آن سفارتخانه نبود. اقبال میلیونی مردم از تحقیر آمریکا با بت تحقیر پیشینشان از ناحیه سیاست‌های ناصواب و مداخله‌جویانه واشنگتن در ایران و وجود ملی از ناحیه تو دهنی خوردن آمریکا مبنای اعتبار «آمریکاستیزی» در انقلاب اسلامی امام بود و هست.

چیستی آمریکاناستیزی؟!

کراهتیون از استکبارستیزی خوبست قبل از چیستی آمریکاستیزی بکوشند آمریکاناستیزی مطمئن نظرشان را معنا کنند! ابراهیم اصغرزاده از حلقه اصلی دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا ۴۰ سال بعد از اشغال سفارت در توجیه چرائی استحاله خود و ندامتاش از اشغال سفارت ابراز داشته:

عینکی که سال ۵۸ بر چشم داشتیم سیاه و سفید می‌دید و یک گوشه دنیا را همه شر و پلشت و دشمن و یک طرف دیگر را همه فرشته و مظلوم و معصوم می‌دیدیم.

هر چند اصغرزاده می‌کوشد با چنان پاسخی بلوغ فکری خود در گذر زمان را دلالت کند اما ایشان به این نکته توجه ندارند که این اصغرزاده‌ها یند که عوض شده‌اند و واقعیت کماکان ثابت نانده! صرافت اصغرزاده تداعی‌کننده سماحت روزه گارودی دبیر کل وقت حزب کمونیست فرانسه در تبیین چرائی صیروت فرزندش از نوباوگی به میانسالی است که با صداقت اذعان می‌داشت:

پسر من اگر در ۱۸ سالگی کمونیست نباشد تعجب می‌کنم و اگر در ۳۰ سالگی هنوز کمونیست باشد تعجب می‌کنم!

به عبارت دیگر رفتار انسان تحت تراکنش محرك‌های محیطی و مستقل از ذات یک پدیده تابع افتضای سن انسان است.

به تعبیر فیزیسین‌های فیزیک دیجیتال شنیدن شکستن صدای یک درخت در جنگل مشروط به وجود مستمع است و بدین منوال عالم واقعیات و تعین یا فتن یک واقعیت در گرو موجودیت دو عامل معنادهنده و معناکننده آن واقعیت ثابت است.

واقعیت موجود آن است که انقلاب اسلامی به پشتوانه مبانی معرفتشناختی و برخورداری از عمق آنالیتیک، تکانش و رُمبشی ساختارشکنا نه علیه مناسبات هژمونیک و یکجا نبه‌گرا بانه و متکبرا نه امریکا بود.

همه استعداد و احتجاج مخالفین استکبارستیزی و یا به تعبیر بهتر همه اهتمام آمریکا ناستیزان تلخیصی از کوفی مسلکی اقشاری است که انگشت ملامت خود را مشابه آمریکا ناستیزان امروز متوجه فرزند رسول الله کردند و ایشان را احتراز می‌دادند از سرکشی در مقابل اتوریته فرزند ابوسفیان با این توجیه که زندگی نرمال و تعامل با ساختار اموی به عنوان نظام مقتدر و مستقر شرط بلاغت و عقلانیت است و پسندیده نیست با شاخ گاو گلاویز شد و مناسب است تن به مناسبات گواسalar داد و ره چنان رفت که رهروان رفتند و «خواهی نشوی رسول همنگ جماعت شدن» را مبنای تعامل با دنیا قرار دادن.

کوفی مسلکان خاماندیشانه بر این باورند که نزد کدخدا، آمریکاستیزان مغضوب‌اند و آمریکا ناستیزان محبوب!

برخلاف باورداشت کوفیان، در ترمینولوژی آمریکائی همه رعیت‌اند و برخی رعیتراند! و آنانی رعیتراند که در زمین کدخدا خوش‌قصتراند!
#داریوش_سجادی ده

مردکی بنام مطهری

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/11/dbp_f8e3f6548f32832453a5c4d318573bc5.mp4

ش

مردکی بنام علی مطهری
پ.ن پرستو مروجی ۰۰
بجای برنام تو رو باید آتیش میزدیم

طرح براندازی ایران

طرح براندازی ایران
بقلم: پرستو مروجی

نا آرامی ها در عراق، سوریه، لبنان تحلیل بندۀ نسبت به این جریانات اینست که؛ قالب‌ش، تظاهرات است. چه تظاهراتی؟ تظاهرات به ظاهر مردمی که؛ طرح براندازی گروه عبری_عربی_غربی است. ببینید هر طرح برانداز مدیریت شده نیاز به دو قشر ساده اندیش دارد.

۱) گروهی که در جنگ نرم دشمن باخته اند و نا آگاهانه تسلیم دشمن شده اند و ۲) قشر دوم را به شعبون بی مخ ها تعبیر می‌کنم. حالا در این طرح براندازی قشر اول آماده و پاکار شدن همینطور که ملاحظه می‌کنید الان در خیابانها توسط شبکه های اجتماعی مدیریت می‌شوند و اما قشر دوم که نقش تمام کننده را دارند و سالهاست توسط امریکا و ایادیشان انتخاب شدند، اموزش دیدند... خرج میلیارد دلاری ... باید به میدان بیایند...

اينها چه کسانی هستند؟

■ زندانيان داعشى در اردوگاه «الهول» منابع امنيتى و خبرى تعداد آنها را دوازه هزار نفر گفته اند.
دقت کنيد به جفرا فيای نا آرامى ها

محل اردوگاه الهول شمال شرقى سوريه استان الحسکة ، اين استان بخش کردنشين سوريه است. دقيقا هم مرز مشترك استان موصل عراق است.
شمال موصل که هم مرز الحسکة است ، بخش کرد نشين عراق ميباشد.
عوام مردم اين سه کشور نميدانند وارد چه بازي خطرناك و كثيف شده اند..

■ اگر طى اين تظاهرات، دوازه هزار نفر داعشى آموزش دидеه نطا مى توسط شركت « بلک واتر» در حوزه لجستيک، عمليات انتخاري و... آزاد شوند توسط نيروهای مخفی با تقويت تسلیحاتی دست به کشتارهای جمعی ميزنند.

از طرفى اين نا آرامى ها در لبنان فقط دور کردن خطرهای احتمالی از اسرائيل است ، اگر اسرائيل که تمام قد از، داعش دفاع ميکرد چرا با پوز بشر دوستانه‌ی رسانه‌اي مرزهاشون رو به روی داعشى های زندانى باز نکردند؟؟ و نميكنند.

■ و اما جاده‌ی اين طرح براندازى ممکن است عراق، سوريه و لبنان نباشد و هدف اصلی اين تنش ها احتمالا جمهوري اسلامي ايران باشد.

کا هنان سفا هت !

باستانگرایانی که از طريق نبش قبر در تاریخ و اندوسکوپی در پاسارگارد میکوشند شخصیت کوروشی را ماکروسکوپیک کنند تا از آن طريق بیشخصیتی میکروسکوپی خود را ما به ازا نمایند قرینه اصحاب حجتیه‌اند که به تعبیر مرحوم امام «ديروز مبارزه را حرام کرده بودند و امروز انقلابی تر از انقلابيدون شده» و همه نبوغشان ترويج فساد بمنظور تعجیل در ظهور منجی در آتیه‌ای موعود بود!

درد هر دوی اينان بی‌قهرمانی ، بحران هویت و فقد اعتماد بنفس است. چه جهد کوروشپرستان در «گذشته» و چه وجود منجی‌جویان حجتیه در «آينده» هر دو کوشش است در «حال» برای استثار انفعال رفتار و انحلال کردار «بی‌حالشان» در ناخودآگاه پنهان شان!
امام وقتشان را گذاشته و سیزيفوار، قهرمانشان را يا در تاریخ

گذشته و یا در جغرافیای آینده می‌کاوند؟
با این بی‌تایبیه‌ای تصنیع تنها ناچالاکی و مغایرخوابی خود را
ماستمالی می‌کنند.
#داریوش_سجادی